

□ الگوی « نهاد + متمم + فعل » ← فعل این نوع جمله گذرا به متمم است و علاوه بر نهاد به گروه اسمی به عنوان متمم نیاز دارد.

هر فعل متمم‌پذیر یک حرف اضافه اختصاصی دارد که متمم آن بعد از آن حرف اضافه می‌آید.

نکته ۱: هر فعل متمم‌پذیر فقط ← یک متمم می‌گیرد.

نکته ۲: حرف اضافه اختصاصی فعل‌های متمم‌پذیر عموماً یکی از حروف اضافه «از، به، با، بر، در» است.

● مصدر برخی از فعل‌های متمم‌پذیر را همراه با حرف اضافه ویژه آن‌ها در جدول زیر می‌بینیم.

حرف اضافه	مصدر
به	۱) اندیشیدن، <u>بالیدن</u> (در معنی افتخار کردن)، برآزیدن (شایسته و مناسب بودن)، برخوردن، نگرستن، تاختن <u>پرداختن</u> (در معنی اقدام کردن و مشغول شدن)، <u>پیوستن</u> (در معنی ملحق شدن)، چسبیدن، گرویدن، نازیدن، برخوردن
با	۲) جنگیدن، درآمیختن (= معاشرت کردن)، <u>ساختن</u> (در معنی سازش کردن و کنار آمدن)، ستیزیدن، <u>آمیختن</u> (در معنی مخلوط شدن)
از	۳) پرهیزیدن (= دوری کردن)، ترسیدن، رنجیدن، گذشتن (= عفو کردن)
در	۴) گنجیدن
بر	۵) شوریدن (= مملو شدن)

○ او پیوسته به پدر خود می‌بالد. (= افتخار کردن)

○ ادبیات غنایی به بیان احساسات شخصی انسان می‌پردازد. (= اقدام کردن و مشغول شدن)

○ گروه‌های بی‌شمار مردم به سپاه اسلام پیوستند. (= ملحق شدن)

○ او پنهانی با دشمن ساخت. (= سازش کردن و کنار آمدن)

○ شکر با آب آمیخت. (= مخلوط شدن)

➤ هر یک از این فعل‌ها حرف اضافه ویژه خود را می‌طلبند و بی آن به کار نمی‌روند. در حالی که بقیه فعل‌ها معمولاً با هر

حرف اضافه‌ای می‌آیند. به دو جمله زیر توجه کنید.

● محسن از ..... می‌رنجد. ← رنجیدن از ← فعل متمم‌پذیر

● محسن از / به / تا / در / به سوی خانه می‌رود. ← رفتن از / به / تا / در / به سوی ← فعل ناگذر

## چند نمونه جمله « نهاد + متمم + فعل »

- تاریخ ادبیات، به بررسی مسائل درونی ادبیات و تحول و تطور و روابط میان آثار ادبی می پردازد. ← پرداختن به
- اگر با دقت به ادبیات بعد از اسلام بنگریم، به دو نوع اخلاق برمی خوریم. ← نگرستن به // برخوردن به
- کارت به جایی رسیده که بر ارباب و ولی نعمت خود می شوری؟ ← شوریدن بر
- آب و هوای اینجا خوب به تت ساخته است. ← ساختن (=سازگار بودن، هم آهنگ بودن) به
- خدایا تو هم اگر از او بگذری من [از او] نمی گذرم. ← گذشتن از
- این فرهنگ از گذشته خود پریده است و به تجربه ای نو نیز نپیوسته است. ← بریدن از // پیوستن به
- مردم کشورهای مختلف، در سایه سرعت و وسایل ارتباطی جدید، آسان تر به تفاهم خواهند گرایید. ← گراییدن به

**نمونه تست ۱:** با توجه به متن « رودکی، در یکی از روستاهای سمرقند به نام رودک به دنیا آمده و همان جا نشوونما یافته بود، در کودکی حافظه ای نیرومند داشت و چنان که نوشته اند در هشت سالگی قرآن را حفظ کرد و به شاعری پرداخت.» الگوی تشکیل دهنده جمله پایانی کدام است؟ (سراسری ۸۹ - ریاضی)

- (۱) نهاد + متمم + فعل  
(۲) نهاد + مسند + فعل  
(۳) نهاد + مفعول + متمم + فعل  
(۴) نهاد + مفعول + مسند + فعل

**نمونه تست ۲:** الگو و ساختار جمله زیر با کدام جمله هماهنگ است؟ (سراسری ۹۱ - تجربی)

« در مباحث مختلف، به مناسبت، گاه به عبارات یا صفحاتی چند از صاحب نظران مردم شناسی بر می خوریم.»

- (۱) ادب پایداری با دعوت به مبارزه، ترسیم چهره های بیدادگر، ستایش آزادی و آزادگی و ..... مرزهای قومی را می شکافد.  
(۲) این گونه چشم انداز به ابعاد نگرش انسانی موجود در ادب مقاومت، حوزه آن را از سایر آثار ادبی متمایز می کند.  
(۳) ادبیات پایداری به هنگام ترسیم اشکال مختلف تضادهای زندگی انسان، در هیچ قالب ملی یا چهارچوب اجتماعی خاص نمی گنجد.  
(۴) چنین آثاری را نمی توان به صورت یک شعار مستقیم و قالب خاص ملی در گستره ادبیات پایداری گنجانند.

## □ الگوی « نهاد + مفعول + متمم + فعل »

فعل این نوع جمله از دو جهت گذرا است ← الف) مفعول پذیر است. ب) متمم پذیر است.

فعل این نوع جمله (= نهاد + مفعول + متمم + فعل) علاوه بر مفعول دارای یک حرف اضافه اختصاصی است که متمم آن بعد از آن حرف اضافه می آید.

**مثال ۱:** جامی ، متون ادب و دانش های شرعی را در زادگاه خویش ، شهر تربت جام ، از استادنش فراگرفت.

۲- مأموران باتجربه و آگاه سازمان آتش نشانی در تمام ساعات روز ، با خوش رویی و دلسوزی و دقت بسیار ، مطالب و نکات لازم را

به کارآموزان و همه مراجعہ کنندگان یاد می دادند

● **مصدر برخی فعل های جمله** ، نهاد + مفعول + متمم + فعل ، به شرح زیر است : (همراه با این فعل ها علاوه بر حرف نشانه (را) ، یک حرف اضافه اختصاصی نیز می آید.)

حرف اضافه	مصدر
به	۱) <u>آموختن</u> (=تعلیم دادن) ، <u>آویختن</u> (=وصل کردن ، نصب کردن) ، <u>افزودن</u> ، <u>آلودن</u> ، <u>بخشیدن</u> ، <u>پرداختن</u> (در معنی دادن) ، <u>پیوستن</u> (در معنی متصل کردن) ، <u>چسباندن</u> ، <u>سپردن</u> ، <u>فروختن</u> ، <u>گفتن</u> (در معنی اعلام کردن و آگاهی دادن) ، <u>دادن</u>
با	۲) <u>اندودن</u> (=پوشاندن) ، <u>آمیختن</u> (در معنی مخلوط کردن) ، <u>سنجیدن</u>
از	۳) <u>پرسیدن</u> ، <u>ترساندن</u> ، <u>خریدن</u> ، <u>دزدیدن</u> ، <u>ربودن</u> ، <u>رهاندن</u> ، <u>شنیدن</u> ، <u>کاستن</u> ، <u>گرفتن</u> ، <u>آموختن</u> (=فراگرفتن)
در	۴) <u>گنجاندن</u>

● فردوسی با سرودن شاهنامه زبان و فرهنگ ایران را از خطر نابودی رهاند.

● اهالی اورازان سقف خانه ها را با گل می اندایند. (=می پوشانند)

● این اوقاف و مساجد رنگ مذهبی خاصی به شهر ما می داد.

**یادآوری:** در برخی از جمله های (نهاد + مفعول + متمم + فعل) ، ابتدا متمم می آید بعد مفعول. در این حالت مفعول چسبیده به فعل می آید.

این حالت بیشتر در دو فعل دادن و بخشیدن دیده می شود.

**مثال :** قصه های پیامبران همواره به شعر شاعران متعهد به اسلام جاودانگی و خلود ، عظمت و اعتبار خاصی بخشیده است.

**نمونه تست ۳:** اجزای تشکیل دهنده جمله پایانی عبارت زیر کدام است؟ (سراسری ۹۰ - زبان)

« شب همه رنگ‌ها را یکسان کرده، به همه چیز صورت یک‌رنگ بخشیده، با سرانگشتان خود آرام مژگان مرا بر هم نهاده و آخرین ذره امید مرا به آب خاموشی داده‌است.»

(۱) نهاد + مفعول + فعل

(۲) نهاد + متمم + فعل

(۳) نهاد + مفعول + مسند + فعل

(۴) نهاد + مفعول + متمم + فعل

**نمونه تست ۴:** با توجه به متن « پشت پنجره ایستاده‌بود و میله‌های آهنی را با دست هایش می‌فشرد. مثل بچه‌های دو سه ساله، لب برچیده‌بود. چشم‌های پر بغض و کینه‌اش به دیوار نوساز، به بتا و عمله‌ها خیره شد. هر چه از او می‌خواستند یا از او می‌پرسیدند، همه را نشنیده می‌گرفت.» اجزای تشکیل دهنده جمله اول، دوم، سوم و ششم به ترتیب کدام است؟ (سراسری ۹۱ - زبان)

(۱) نهاد + ناگذر / نهاد + مفعول + متمم + فعل / نهاد + مفعول + فعل / نهاد + مفعول + فعل

(۲) نهاد + ناگذر / نهاد + مفعول + فعل / نهاد + مفعول + فعل / نهاد + مفعول + متمم + فعل

(۳) نهاد + مسند + فعل / نهاد + مفعول + فعل / نهاد + مسند + فعل / نهاد + مفعول + متمم + فعل

(۴) نهاد + مسند + فعل / نهاد + مفعول + متمم + فعل / نهاد + مفعول + مسند + فعل / نهاد + مفعول + فعل

**نمونه تست ۵:** الگو ساختار جمله زیر با کدام جمله مطابقت دارد؟ (سراسری ۹۲ - هنر)

« عروض و اوزان شعری عربی با تأثیر در شعر فارسی، اوزان تازه‌ای به وزن‌های شعر ما افزوده‌است.»

(۱) قبل از عصر تیموری، ادبیات و اشعار ترکی و فارسی وسعت چندانی نداشت.

(۲) شگفتی‌های سرزمین پر از رمز و راز هند در آثار ادبی ما منعکس گردیده‌است.

(۳) ایران از قدیم‌ترین زمان‌ها به ادب همه‌ی کشورهای مهم اروپایی الهام بخشیده‌است.

(۴) افسانه‌های ایرانی و شرقی مانند سندبادنامه، شاهنامه و ... در ادب اروپا نفوذ کرده‌است.

**کلید نمونه تست‌ها**

تست	۱	۲	۳	۴	۵
پاسخ	۱	۳	۴	۲	۳

## یادآوری: هنگام تعیین الگو و ساختار جمله‌ها به معانی فعل‌های زیر و گذر آن‌ها توجه کنید.

- ۱- بالیدن**
- در معنی «رشد کردن» ← فعل ناگذر
  - در معنی «افتخار کردن» ← فعل گذرا به متمم
- ۲- پرداختن**
- در معنی «مشغول شدن، اقدام کردن» ← فعل گذرا به متمم
  - در معنی «دادن» ← فعل گذرا به مفعول و متمم
- ۳- پیوستن**
- در معنی «وصل شدن، ملحق شدن» ← فعل گذرا به متمم
  - در معنی «متصل کردن، ملحق کردن» ← فعل گذرا به مفعول و متمم
- ۴- آمیختن**
- در معنی «مخلوط شدن» ← فعل گذرا به متمم
  - در معنی «مخلوط کردن» ← فعل گذرا به مفعول و متمم
- ۵- ساختن**
- در معنی «بنا کردن، درست کردن» ← فعل گذرا به مفعول
  - در معنی «سازش کردن، کنار آمدن، سازگار بودن» ← فعل گذرا به متمم
  - در معنی «گردانیدن» ← فعل گذرا به مفعول و مسند
- ۶- کردن / نمودن**
- در معنی «انجام دادن» ← فعل گذرا مفعول
  - در معنی «گرداندن / گردانیدن» ← فعل گذرا به مفعول و مسند
  - «کردن و نمودن» گاه جز فعلی یک فعل مرکب هستند.
- ۷- گفتن**
- در معنی «مطلبی را به آگاهی کسی رساندن، آگاهی دادن، اعلام کردن» ← فعل گذرا به مفعول و متمم
  - در معنی «نامیدن» ← فعل گذرا به مفعول و مسند
  - در معنی «اطلاق کردن» ← فعل گذرا به متمم و مسند
  - در معنی «سرودن» ← فعل گذرا به مفعول

- ۸- خواندن ← در معنی «مطالعه کردن» ← فعل گذرا به مفعول  
 در معنی «نامیدن» ← فعل گذرا به مفعول و مسند
- ۹- صداکردن / صدا زدن ← در معنی «کسی یا چیزی را معمولاً با گفتن اسمش فراخواندن» ← فعل گذرا به مفعول  
 در معنی «نامیدن» ← فعل گذرا به مفعول و مسند
- ۱۰- شمردن ← در معنی «مشخص کردن تعداد چیزی» ← فعل گذرا به مفعول  
 در معنی «پنداشتن» ← فعل گذرا به مفعول و مسند
- ۱۱- دیدن / دانستن / یافتن / شناختن ← در معنی «عمل دیدن، عمل دانستن، عمل یافتن، عمل شناختن» ← فعل گذرا به مفعول  
 در معنی «پنداشتن» ← فعل گذرا به مفعول و مسند